

بررسی مؤلفه‌های جمعی فرهنگ ایثار و شهادت در خاطرات آزادگان دفاع مقدس به مثابه سرمایه اجتماعی

افسانه کاظمی*، زاهد غفاری هاشجین**، عباس کشاورز شکری***

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۶/۴/۲۰

چکیده

فرهنگ ایثار و شهادت به عنوان یکی از عناصر فرهنگ سیاسی تشیع، برخاسته از حماسه عاشورای حسینی است. این فرهنگ در کنار سایر آموزه‌های دینی نقش مهمی در رشد و تقویت سرمایه اجتماعی در جامعه ما دارد. این مقاله با هدف شناخت مؤلفه‌های جمعی فرهنگ ایثار و شهادت براساس خاطرات آزادگان به مثابه سرمایه براساس روش تحقیق کیفی تحلیل اسنادی نگاشته شده و سعی شده است داده‌ها و مصادیق مربوط با استفاده از ابزار فیش برداری از منابع مربوط به خاطرات آزادگان جمع‌آوری شود. این مقاله در پی پاسخ به این سوال‌ها بوده است که مؤلفه‌های فرهنگ ایثار و شهادت در رفتار با دوستان در خاطرات آزادگان دوران دفاع مقدس کدام است و اینکه چگونه این مؤلفه‌های رفتاری آزادگان در تولید و تقویت سرمایه اجتماعی مؤثر بوده است؟ یافته‌ها نشان می‌دهد که فرهنگ ایثار و شهادت به عنوان فرهنگ غنی مثبتی بر تعالیم تشیع به عنوان سرمایه اجتماعی مشتمل بر مؤلفه‌های رفتار جمعی مثبتی است که موجب انسجام، تقویت روحیه مشارکت و همکاری و ایجاد و رشد شبکه‌های انسانی می‌شود که مصادیق و شواهد زیادی از آن را می‌توان درباره آزادگان در سخت‌ترین شرایط در اردوگاه‌های دشمن بیان کرد. از جمله این مؤلفه‌ها که موجد سرمایه اجتماعی هستند، عبارت‌اند از: ارشاد، حسن سلوک و اخوت ایمانی از طریق رشد شاخص‌های سرمایه اجتماعی.

کلیدواژه‌ها: مؤلفه‌های جمعی، فرهنگ ایثار و شهادت، سرمایه اجتماعی.

* - نویسنده مسئول: کارشناس ارشد رشته جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد afsaneh.kazemi@chmail.ir

z_ghafari@yahoo.com

** - دانشیار علوم سیاسی دانشگاه شاهد

abbaskeshavarz1@yahoo.com

*** - دانشیار علوم سیاسی دانشگاه شاهد

مقدمه

فرهنگ ایشار و شهادت جزء لاینفک فرهنگ تشیع است که در طول تاریخ باعث پیروزی‌های مسلمانان و رشد و پیشرفت مدنی و اجتماعی آنان شده است. دوران انقلاب و پس از آن دوران هشت ساله دفاع مقدس و بررسی وقایع آن دوران، وجود ارزش‌های برآمده از این فرهنگ را در سطح فردی و اجتماعی تأیید می‌کند. اما متأسفانه با گذشت زمان و با بروز وسایل ارتباط جمعی جدید زمینه‌های پرداختن به این مقوله کم‌رنگ‌تر شده و فرهنگی مقابل این فرهنگ عظیم، زمینه رشد پیدا کرده است. به خصوص بخش پژوهشی جامعه در زمینه پرداختن به سبک زندگی آزادگان غافل بوده است. در حالی که لحظات سخت اسارت، جز با پشتوانه‌ای دینی، وجود حلقه‌های اجتماعی را در اردوگاه‌های تنگ و تاریک دشمن امکان‌ناپذیر می‌ساخت. وجود آموزه‌های دینی و ایمان به این آموزه‌ها و عمل به این فرهنگ غنی، سال‌های دوری و شکنجه را ممکن می‌ساخت. روابط ایثارگونه به این ترتیب شکل می‌گیرد که شخص با این که پاسخ مثبتی از فرد یا افراد جامعه دریافت نمی‌کند، دست به گذشت و فداکاری می‌زند. فرهنگ ایشار و شهادت در عرصه روابط اجتماعی، به عنوان ارزش‌های کلیدی فرهنگ اسلامی سرمایه‌ای قابل اتکاست. توجه به این ویژگی‌های رفتاری، سرمایه اجتماعی را آفرید که برای نسل حاضر و آینده مثال‌زدنی است.

ضرورت و اهمیت تحقیق

سرمایه اجتماعی روابط بین انسان‌ها را مورد توجه قرار داده است. سرمایه اجتماعی مجموعه هنجارهای موجود در نظام اجتماعی است که با ایجاد حس تعلق موجب همکاری و پیوستگی بین انسان‌ها می‌شود. امروزه نقش سرمایه اجتماعی در جوامع بسیار پررنگ‌تر از سرمایه فیزیکی و انسانی است و شبکه‌های گروهی موجب انسجام بین انسان‌ها و سازمان‌ها می‌شود و مسیر رشد و توسعه جوامع به سمت تکامل فرهنگی، اقتصادی و سیاسی را فراهم می‌کند. از این رو، پرداختن به مقوله سرمایه اجتماعی و عوامل تقویت‌کننده و تضعیف‌کننده آن اهمیت بسزایی دارد. از جمله عواملی که موجب سرمایه اجتماعی می‌شود، دینداری و تعهدات فرهنگی است که افراد مختلفی بر این امر صحه گذاشته‌اند. برای مثال، فوکویاما دین و تعهدات فرهنگی و تاریخی را یکی از منابع

سرمایه اجتماعی معرفی می‌کند. تحقیقات انجام گرفته در این زمینه، همدلی، همبستگی و انسجام- بخشی را از کارکردهای دین شمرده‌اند (نعمت‌اللهی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۷۷).

دوران دفاع مقدس فرهنگ غنی ایثار و شهادت را در عرصه‌ها و مقاطع مختلف جنگ تحمیلی به منصف ظهور گذاشت. این فرهنگ تشیع در تقسیم‌بندی که در این مقاله ارائه شده است، در دو بعد فردی و جمعی قابل بررسی است که بعد جمعی مرتبط با دوستان، سرمایه اجتماعی بالایی را تولید کرده است. دوران اسارت در اسارتگاه‌های رژیم عراق نیز جدا از این مقوله نبوده و نیست. جلوه‌های فرهنگ ایثار و شهادت در اسارتگاه‌ها به کرات دیده می‌شد. آزادگان در روابط انسانی و دوستی خود معیارهای دینی و انسانی را مدنظر قرار می‌دادند که تأثیر بسزایی در تقویت فرهنگ ایثار و شهادت در آن شرایط بغرنج داشت. توجه به مجموعه این رفتارها به عنوان ایجاد و تقویت‌کننده سرمایه اجتماعی می‌تواند نقش مؤثری در ترویج فرهنگ ایثار و شهادت و حفظ مناسبات بین‌نسلی ایفا کند و عامل مهمی در تقویت هویت و فرهنگ شیعی در جامعه باشد. لذا لزوم پرداختن به این مقوله در سطوح مختلف زندگی از همان دوران مدرسه تا عرصه‌های کار، فعالیت و... ضروری به نظر می‌رسد. عدم توجه و فقدان این فرهنگ غنی می‌تواند تبعات جبران‌ناپذیری را متوجه کشور و نظام سازد؛ چنان که آزادگان با حفظ این فرهنگ توانستند سال‌های متمادی در اردوگاه‌های یعنی بر ارزش‌ها و اصول خود ثابت قدم بمانند و روابط اجتماعی خود را به بهترین شکل کنترل کنند. موارد ذیل از جمله فواید چنین تحقیق‌هایی است:

- بسط و گسترش ادبیات نظری حوزه دفاع مقدس؛
- کمک به احیا و ترویج فرهنگ ایثار و شهادت؛
- کمک به معرفی اسوه‌ها و الگوهای مقاومت در دوران دفاع مقدس به نسل جوان.

سؤال تحقیق

با توجه به خلأ پژوهشی موجود در این زمینه و تقسیم‌بندی مؤلفه‌های فرهنگ ایثار و شهادت در این باره، این پژوهش با استفاده از منابع دینی و سیره‌پژوهی به خصوص سیره امام حسین (ع) در جریان حماسه عاشورا، به تحلیل جلوه‌های دوستی و مودت در فرهنگ ایثار و شهادت و تقسیم‌بندی مؤلفه‌های آن پرداخته و کوشیده است که با ذکر شواهد و مصادیقی، این موضوع در

جریان اسارت نیروهای کشور به دست رژیم بعثی بیشتر توضیح داده شود. بر این اساس در این مقاله سعی شده است که به این سؤالات پاسخ داده شود:

- مؤلفه‌های فرهنگ ایثار و شهادت در رفتار با دوستان در خاطرات آزادگان دوران دفاع مقدس کدام است؟

- عناصر سرمایه اجتماعی کدام است؟

- چگونه این مؤلفه‌های رفتاری آزادگان در تولید و تقویت سرمایه اجتماعی مؤثر بوده است؟

هدف تحقیق

لزوم پرداختن به عنصر شهادت‌طلبی در جامعه شیعی بر کسی پوشیده نیست. حفظ و پردازش خاطرات دفاع مقدس و آزادگان قبل تا زمانی که میراث به جاماندگان دفاع مقدس در کشور از بین نرفته، همت نویسندگان و پژوهشگران را می‌طلبد و بایستی پیش از آنکه حافظه تاریخی ملت، این فرهنگ عظیم را به فراموشی بسپارد، برای احیای آن تلاش کرد. لذا این مقاله اهداف زیر را دنبال می‌کند:

- شناخت مؤلفه‌های فرهنگ ایثار و شهادت در رفتار با دوستان در خاطرات آزادگان دوران دفاع مقدس؛

- شناسایی عناصر سرمایه اجتماعی در فرهنگ ایثار و شهادت؛

- بررسی نقش مؤلفه‌های اجتماعی فرهنگ ایثار در تقویت سرمایه اجتماعی.

روش تحقیق

این مقاله از نوع کیفی بوده و با توجه به اینکه پیشینه پژوهشی در این حوزه موجود نبود، با مراجعه به کتب مذهبی، از جمله، معانی الاخبار، الخصال، عاشوراشناسی، فلسفه و عوامل جاودانگی نهضت عاشورا، چهره‌ها در حماسه کربلا، تاریخ قیام و مقتل جامع سیدالشهدا، سیره نبوی «منطق عملی»، مدرسه حسینی، آموزه‌های تربیتی عاشورا (درس‌ها و عبرت‌ها)، اندیشه‌های حسینی، زمینه‌های قیام امام حسین (ع)، پژوهشی پیرامون شهدای کربلا، بحارالانوار، اصول کافی، بهشت کافی، فرهنگ عاشورا و.... و با استفاده از استقرا مؤلفه‌های فرهنگ ایثار و شهادت،

اطلاعات لازم جمع‌آوری شد و در سه دسته کلی مؤلفه‌های فردی، مؤلفه‌های جمعی در ارتباط با دوستان و مؤلفه‌های جمعی در ارتباط با دشمنان شناسایی شد و ریز مؤلفه‌های آنها هم از همین منابع استخراج گردید. از طرفی، مراجعه به اسناد بجا مانده از آزادگان دوران دفاع مقدس وجود بعضی از این مؤلفه‌ها را در سیره رفتاری ایشان تأیید کرد. به این ترتیب، مؤلفه‌های اجتماعی که در ارتباط با تقویت سرمایه اجتماعی قرار می‌گیرد، به صاحب‌نظران این حوزه و هیأت علمی ارائه شد تا اظهار نظر کنند و از بین مؤلفه‌های ارائه‌شده، مؤلفه‌های ارشاد، حسن سلوک با مردم و اخوت ایمانی مورد تأیید قرار گرفت و در نهایت این مؤلفه‌ها برای تحقیق به طور نهایی انتخاب شد. سپس برای مطالعه مؤلفه‌های موجود در خاطرات آزادگان، از روش تحلیل اسنادی استفاده شد. با روش نمونه‌گیری تصادفی تعدادی کتاب از سری کتاب‌های خاطرات آزادگان مورد بررسی قرار گرفت و به کمک فیش‌برداری از کتب خاطرات آزادگان و با استفاده از تحلیل اسنادی به بحث و بررسی پیرامون مؤلفه‌های انتخابی در این زمینه پرداخته شد. در تحلیل و بررسی تأثیر مؤلفه‌های فرهنگ ایثار و شهادت بر سرمایه اجتماعی لازم است که عناصر سرمایه اجتماعی نیز تبیین گردد که با مطالعه نظری پیرامون این موضوع از تعریف تاجبخش در این زمینه استفاد گردید که متغیرهای جامعه‌شناختی مانند اعتماد، آگاهی، نگرانی درباره‌ی دیگران و مسائل عمومی، مشارکت در مسائل عمومی و انسجام و همبستگی گروهی و همکاری را معرف سرمایه اجتماعی بیان کرده است.

تعریف مفاهیم

۱. دفاع مقدس: هشت سال دفاع مقدس، حدیث ماندگار پایداری، دلاوری و فداکاری ملت است که در راه دفاع از مکتب، انقلاب و میهن اسلامی خویش، قلّه‌های بلند رشادت و شهادت را درنوردید و دشمن را در رسیدن به اهداف خود ناکام گذاشت. تحمیل جنگ هشت ساله به ایران، دومین موج اتحاد و حرکت مردمانی را در پی داشت که برای آزادزیستن، بهای بسیار پرداختند.

۲. ایثار: ایثار مقدم شمردن دیگران بر خود است و در برابر خودخواهی و خودگرایی قرار می‌گیرد (فتحی، تاریخ مقاله: ۱۳۹۰). ایثار در شکل‌های مختلف تجلی پیدا می‌کند. فداکاری،

گذشت، مهرورزی، دوستی، محبت، بخشش مال و... مصادیق بارزی از ایثار هستند؛ اما والاترین مرتبه رفتار ایثارگرانه را می‌توان در عرصه جهاد در راه خدا مشاهده کرد که با شهادت، جانبازی و اسارت در چنگال دشمنان توأم است. این‌گونه ایثارگری‌ها از چنان قداست و عظمتی برخوردار هستند که سایر شکل‌های ایثار در مقابل آنها ناچیز و کوچک به حساب می‌آیند (خاقانی آور، تاریخ مقاله: ۱۳۹۰).

۳. شهادت: شهادت یعنی مجموعه باورها، آگاهی‌ها، آداب، اعتقادات و اعمالی که موجب وصول انسان به عالی‌ترین درجه کمال، یعنی مرگ آگاهانه در راه خدا می‌شود (آقامحمدی و مقدمی، تاریخ مقاله: ۱۳۹۰).

۴. فرهنگ ایثار و شهادت: فرهنگ ایثار و شهادت مجموعه نظام ارزش‌ها، باورها و الگوهای هنجاری هدایتگر به مجموعه نقش‌ها، رفتارها و روابط اجتماعی برخاسته از جهان‌بینی اسلامی، فرهنگ عاشورای حسینی، آرمان‌های انقلاب اسلامی و اندیشه‌های حضرت امام خمینی (ره) و جامعه ایثارگران است (غفاری، ۱۳۸۷: ۳۸۱).

۵. آزادگان: اسرای آزاد شده (آزادگان) به کسانی اطلاق می‌شود که در طول جنگ تحمیلی (۱۳۵۹-۱۳۶۸) و در جهت دفاع از انقلاب اسلامی، استقلال و تمامیت ارضی کشور جمهوری اسلامی توسط عوامل دشمن در داخل یا خارج از کشور اسیر شده و پس از مقاومت دلیرانه، پس از سال ۱۳۶۸ به تدریج آزاد شده باشند (صولتی، ۱۳۷۶: ۶۹).

۶. مؤلفه‌های جمعی فرهنگ ایثار و شهادت: روح انسان ایثارگر از چنان عظمتی برخوردار است که در عین نیاز به چیزی و داشتن علاقه نسبت به آن، آن را به دیگری می‌بخشد و دیگری را بر خود ترجیح می‌دهد و این‌چنین با دگرخواهی، روح هموع دوستی را به نمایش می‌گذارد و گاه تا جایی پیش می‌رود که فردی یا حتی جمع کثیری، جان خویش را در راه دیگری و دیگران از دست می‌دهند تا به کمال و تمام ایثار و از خودگذشتگی دست یابند. شاخص‌های این مؤلفه عبارت‌اند از: ارشاد، حسن سلوک با مردم و اخوت ایمانی.

این مؤلفه‌ها با رفتارهای ایثارگرایانه‌ای، مانند: نگرانی برای دیگران، راهنمایی و امیدبخشی به دیگران، الفت و محبت به دیگران، اتحاد و همدلی با دیگران، تقسیم جیره غذایی ناچیز خود با دیگران، مراقبت و پرستاری از دیگران، قبول شکنجه به جای دیگران و... قابل توصیف و شناسایی است.

۷. سرمایه اجتماعی: بنا به تعریفی «سرمایه اجتماعی، شکل و نمونه ملموسی از یک هنجار غیررسمی است که باعث افزایش همکاری بین دو یا چند فرد می‌شود. این هنجارها شامل: هنجار روابط متقابل بین دو دوست و در سطح بالاتر شامل آموزه‌های پیچیده‌ای، مانند آموزه‌های دینی می‌شود» (تاج‌بخش، ۱۳۸۴: ۱۷۴).

به عبارت دیگر، سرمایه اجتماعی آن قبیل منابعی را دربرمی‌گیرد که افراد از طریق شبکه‌های اشخاص و شبکه‌های کسب و کار به آنها دسترسی پیدا می‌کنند. این منابع شامل: اطلاعات، افکار، هدایت، فرصت‌های تجاری، سرمایه مادی، قدرت و نفوذ، حمایت‌های روحی، رضایت‌مندی، اعتماد و تعاون هستند که در درون شبکه‌های روابط ظهور پیدا می‌کنند. این سرمایه همگانی است و در مالکیت هیچ فردی نیست، اما دسترسی به آنها، به کسانی که آنها را می‌شناسیم، وابسته است. همچنین به اندازه، کیفیت و تنوع شبکه‌های تجاری و اشخاص بستگی دارد (رستمی، ۱۳۸۸: ۱۹). این مطلب به این معنی است که هرچه شبکه اجتماعی یک فرد گسترده‌تر باشد، از سرمایه اجتماعی بالاتری برخوردار است.

سرمایه اجتماعی با متغیرهای جامعه‌شناختی مانند اعتماد، آگاهی، نگرانی درباره دیگران و مسائل عمومی، مشارکت در مسائل عمومی، انسجام و همبستگی گروهی و همکاری ارتباط پیدا می‌کند (تاج‌بخش، ۱۳۸۴: ۲۸). «پاتنام» هم در مورد سرمایه اجتماعی می‌گوید: «به مجموعه‌ای از ویژگی‌های سازمان اجتماعی همانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها اشاره دارد که از طریق ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه میان اعضای اجتماع، منافع متقابل آنها را تسهیل می‌کند» (فصیحی، ۱۳۸۹: ۱۳۶).

اعتقاداتی مانند کمک به هم‌نوع، عمل به نفع دیگری و فداکاری موجب پیدایش سرمایه اجتماعی می‌شود. بنابراین آن دسته از اعتقادات مذهبی که کمک‌رسانی به دیگران را هدف قرار می‌دهد، عامل مهمی در شکل‌گیری سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود (سریر افراز، ۱۳۹۰: ۳). نحوه پیوند باورها و اعتقادات با سرمایه اجتماعی این است که باورها و عقاید در گام نخست، بر نگرش ما نسبت به هستی، انسان و جامعه اثر می‌گذارند و سپس رفتار ما را نسبت به افراد جامعه شکل می‌دهند. باورها و اعتقادات، موجب شکل‌گیری تعاملات اجتماعی مختلف در سطح خرد و کلان در جوامع گوناگون می‌شود. به عبارت دیگر، کنش‌های اجتماعی افراد در یک جامعه معتقد

متفاوت از کنش‌های اجتماعی یک جامعه نامعتقد است و همچنین نهادهای اجتماعی در یک جامعه خدا‌باور با غیر خدا‌باور تفاوت دارند (فصیحی، ۱۳۸۹: ۱۵۰). در این تحقیق، باورها و اعتقادات اسرا در قالب فرهنگ ایثار و شهادت مورد بررسی قرار گرفته و به تعریف این رابطه پرداخته شده است.

رابطه بین سرمایه اجتماعی و فرهنگ ایثار، یک رابطه دوطرفه در جامعه است که یکدیگر را تقویت می‌کنند؛ افزایش ایثار در اجتماع باعث رشد سرمایه اجتماعی می‌شود و از طرف دیگر، تقویت سرمایه اجتماعی موجب افزایش فرهنگ ایثار در جامعه می‌گردد. ایثار و از خودگذشتگی، با ترک منافع شخصی و عمل به سود منافع جمعی، آثاری در اجتماع برجا می‌گذارند که از مظاهر و پیامدهای سرمایه اجتماعی محسوب می‌شوند و با ایجاد هویت ملی و احساس تعلق، ترجیح منافع دیگران بر خود حتی با بذل جان، همگرایی بیشتر افراد و پابندی به اصول اساسی، ایجاد شبکه‌ای از اعتماد در سطوح مختلف روابط اجتماعی و ایجاد همبستگی و پیوند بیشتر افراد، موجب تقویت سرمایه اجتماعی می‌شود (سریر افراز، ۱۳۹۰: ۷ و ۸). ماهیت وحدت‌بخش دین موجب شده است که عامل مهمی برای افزایش سرمایه اجتماعی در نظر گرفته شود. مذهب با الزام به توجه به دیگران و از خودگذشتگی، شبکه اجتماعی مورد نظر سرمایه اجتماعی را به وجود می‌آورد و با این ایدئولوژی و با تفکر عمل به سود دیگری، موجبات آن را فراهم می‌کند. از این رو، در جوامع مذهبی، زمینه رشد سرمایه اجتماعی بیشتر فراهم است (ردادی، ۱۳۸۹: ۱۰۸).

دین اسلام با ماهیت وحدت‌بخش خود، سرمایه اجتماعی را فزونی می‌بخشد و با افزایش همبستگی‌های اجتماعی، موجب گسترش شبکه‌های بین فردی می‌شود. مناسک مذهبی دسته‌جمعی افزایش ارتباطات را در پی دارد. باورهای اعتقادی و دینی با پیوند دادن افراد به یکدیگر، موجب افزایش انسجام اجتماعی می‌شود و از طریق تعمیق و ترسیم اهداف خداپسندانه با نیت کسب رضایت خداوند، زمینه رشد سرمایه اجتماعی را فراهم می‌آورد (درخشه و جلالی، ۱۳۹۰: ۸۴). چنان‌که پیامبر اکرم (ص) به عنوان اسوه مسلمین با تثبیت نهادهای اخلاق عملی، زمینه لازم را برای پدید آمدن و افزایش سرمایه اجتماعی فراهم کردند. تشویق آحاد مردم به همکاری با یکدیگر، بر پایداری و تبلیغ اخوت، نوع دوستی، ایثار و درستکاری از سیره پیامبر اسلام (ص) شمرده می‌شود. برقراری صلح و صفا و اصلاح، مشی قرآن و اسلام و پیامبر (ص) است و هم‌تراز با

تقوا شمرده شده است (دادگر و نجفی، ۱۳۸۵: ۲۹). لذا در خاطره‌های اسارت نمونه‌هایی ملموس از این اخلاق عملی مورد نظر دین و ائمه، تبلور یافته بود که با رشد سرمایه اجتماعی در آن شرایط، زمینه حل مسئله و بحران، پیوستگی و اتحاد هرچه بیشتر آزادگان را فراهم می‌آورد.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

تأثیر مؤلفه‌های جمعی فرهنگ ایثار و شهادت در تقویت سرمایه اجتماعی

از میان رفتارهای ایثارگونه‌ای که آزادگان در دوران اسارت در ارتباط با یکدیگر از خود نشان می‌دادند، مؤلفه‌های ارشاد، حسن سلوک و اخوت ایمانی در اینجا مطرح شده‌اند و با بیان شاخصه‌هایی از هر کدام از این مؤلفه‌ها با توجه به تعریف ارائه شده از سرمایه اجتماعی، به بررسی مصادیقی از آن در خاطرات آزادگان دفاع مقدس پرداخته شده است. طبق گفته تاج‌بخش، سرمایه اجتماعی با متغیرهای جامعه‌شناختی مانند: اعتماد، آگاهی، نگرانی درباره دیگران و مسائل عمومی، مشارکت در مسائل عمومی و انسجام و همبستگی گروهی و همکاری، ارتباط پیدا می‌کند. با معرفی هریک از مؤلفه‌های فرهنگ ایثار، به تحلیل این موضوع پرداخته می‌شود که چطور این مؤلفه‌های رفتاری سرمایه اجتماعی را تقویت می‌کند.

۱. توجه به مؤلفه ارشاد در رفتار با دوستان در خاطرات آزادگان

مؤلفه ارشاد، شامل نگرانی درباره دیگران و مسائل عمومی می‌شود. آلن بیرو، هنجار را قانون یا اصلی می‌داند که راهبری یا هدایت یک رفتار را موجب می‌شود. هنجارهای اجتماعی شیوه‌های رفتاری را دربرمی‌گیرد که در گروه یا جامعه متداول است که فرد در جریان جامعه‌پذیری آنها را می‌آموزد و طبق آنها عمل می‌کند و انتظار دارد که سایر افراد گروه یا جامعه هم طبق آنها رفتار کنند. هنجارهای اجتماعی براساس ارزش‌های اجتماعی شکل می‌گیرند. به عبارت دیگر، ارزش‌های اجتماعی به تدریج به صورت هنجارهای اجتماعی درمی‌آیند و جامعه را انتظام می‌بخشند (غلامی علوی، ۱۳۹۳: ۱۴۲). ارشاد اسرا شامل رفتارهایی است که هنجارهای اجتماعی را یادآوری می‌کند. عدول از این هنجارها، تذکر دوستانه و گاهی هم قاطعانه را به دنبال داشت. ارشاد در گفتار و رفتار از مشخصات اسرا بود. آنها به طرق مختلف، سعی در اصلاح برادر دینی

خود داشتند و در برابر منکرات، بی تفاوت نبودند و نهایت تلاش خود را برای سالم سازی محیط اردوگاه‌ها به کار می‌بستند؛ زیرا به دلیل محدودیت‌ها و کاستی‌ها، زمینه برای رشد ناهنجاری‌ها و منکرات در آنجا بیشتر مهیا بود و اگر بی تفاوتی پیشه می‌کردند، خیلی زود محیط اردوگاه‌ها، محیط فساد می‌شد و از همین طریق، عراقی‌ها جنگ تبلیغاتی علیه جمهوری اسلامی ایران به راه می‌انداختند. به همین دلیل، اسرا به ثبات و رشد ارزش‌ها در محیط اسارت اهتمام می‌ورزیدند. مؤلفه ارشاد دو مؤلفه فرعی را شامل می‌شود: الگودهی و هدایت کردن افراد، امر به معروف و نهی از منکر که به تفکیک، از هر دو مورد، مصادیقی از سیره آزادگان در اسارت ذکر شده است.

الف) بعد الگودهی و هدایت کردن افراد

اسلام از منظر دیگری به هنجارهای اجتماعی نگریسته است. دستورات و احکام اجتماعی دین این موضوع را خاطر نشان کرده است که مؤمن بر گردن دیگری حقی دارد که باید او را یاری و خیرخواهانه نصیحت کند. هدایت کردن یکی از منابع سرمایه اجتماعی است. این باور که در مسلمین وجود دارد که نباید نسبت به یکدیگر بی تفاوت باشند و باید در اصلاح دیگران بکوشند. این حکم دینی موجب شکل‌گیری نوع تعاملات اجتماعی آنها با یکدیگر می‌شود. مذهب با الزام به توجه به دیگران، این مهم را برآورده می‌کند. از این رو، گفتار و رفتار بعضی از اسرا، جنبه الگوپذیری برای دیگران داشت و راهنمای دیگران در برخورد با عراقی‌ها بود. افرادی در اسارت بودند که با گفتار و رفتار خود، اسرا را یاری می‌کردند. برای نمونه، فردی در استخبارات عراق بود که به اسرا آموزش می‌داد که چطور رفتار کنند و در بازجویی‌ها، چه بگویند و چه نگویند و استقامت داشته باشند (علامه، ۱۳۷۲: ۳۷).

نمونه دیگر، حاج آقا ابوترابی بود. او در اسارت نقش رهبر را در اردوگاه‌ها ایفا می‌کرد و بدون هیچ چشم‌داشتی، اسرا را با اعمال و رفتار خود هدایت می‌کرد. اسرا مسائشان را با او مطرح می‌کردند، حتی عراقی‌ها هم، هر گاه در آرام کردن اردوگاه‌ها با مشکل مواجه می‌شدند، سراغ او می‌فرستادند و او را با خود به اردوگاه‌های دیگر می‌بردند. افراد برای مشورت کردن، طبق نوبتی که داشتند به حاج آقا مراجعه و مسائل و مشکلات خود را بیان می‌کردند و از او راهنمایی می‌گرفتند. ایشان ساعت‌ها می‌نشست و به درد دل‌های اسیران گوش می‌کرد. حتی گاهی پیش می‌آمد

که در حین صرف غذا از ایشان مشورت می‌گرفتند. بارها اتفاق افتاده بود که ایشان صبحانه و ناهار خود را ساعت ۴ یا ۵ بعد از ظهر می‌خورد، ولی هیچ‌وقت احساس خستگی نمی‌کرد و از خود بی-حوصلگی نشان نمی‌داد (رجایی، ۱۳۹۱: ۸۸).

گاهی اسرا به دور از چشم عراقی‌ها برای انتقال اخبار و توصیه‌های ابوترابی در اردوگاه‌ها، آنها را روی کاغذ لاف می‌نوشتند، مجاله‌اش می‌کردند و به اندازه یک‌دانه عدس یا نخود در می‌آوردند. آن‌گاه داخل یک کپسول چرک‌خشک‌کن که پودرش را قبلاً خالی کرده بودند، جاسازی می‌کردند و سر آن را می‌بستند. اخبار مختلفی از این طریق انتقال می‌یافت. نمونه‌اش توصیه‌های حجت‌الاسلام ابوترابی فرد بود که حکم دستورالعمل و قانون اسارت را برای اسرا داشت (شیردل، ۱۳۸۷: ۲۱۱). رهنمودهای ایشان برای اسرا راهگشا بود. او در جواب اسرا که از وظیفه خود در اسارت می‌پرسیدند، می‌گفت: «باید مواظب باشیم که براساس آیه شریفه «ما به موسی، سی شب مهلت دادیم و ده شب دیگر بر آن افزودیم و دیدار با خدایش چهل شب کامل شد. موسی به هارون برادرش گفت: جانشین من در میان قبیله‌ام باش، آرامش را برقرار ساز و پیروی از راه بدکاران مکن»، عمل کنیم و در پی اصلاح باشیم و از مفسدین پیروی نکنیم» (رجایی، ۱۳۹۱: ۳۱۵ و ۳۱۶).

بسیاری از اسرا، تحت تأثیر محیط پاک اردوگاه‌ها، هدایت یافتند. برای نمونه، فردی در اردوگاه بود که حدود ۳۵ سال سن داشت و تا آن‌موقع نماز نخوانده بود. اما به یک‌باره و بدون آنکه کسی به او بگوید، نماز خوان شده بود. این موضوع عراقی‌ها را خیلی ناراحت می‌کرد و می‌گفتند: «این یارو تا دیروز نماز نمی‌خواند، از امروز نماز خوان شده» (رحمانیان، ۱۳۸۱: ۷۳)!

عبادات دسته‌جمعی اسرا باعث ارشاد اسرای دیگر می‌شد و نقش هدایت‌کنندگی اسرا را داشت. کسانی که اهل نماز و دعا نبودند، در اسارت به اکثریت گرایش پیدا و توبه کردند و اهل نماز شدند. آنهایی هم که بدنشان خالکوبی داشت، خالکوبی‌های روی بدنشان را سوزاندند (نیری، ۱۳۸۲: ۱۱۴).

گاهی دل‌نوشته‌های به‌جا مانده از اسرای قدیم، الگو و تسکین‌بخش اسرا بود. وقتی اسرا را به اردوگاه جدید منتقل می‌کردند و با چوب و باتوم به استقبال آنها می‌رفتند، در آن شرایط سخت روحی، وقتی دل‌نوشته‌های اسرای قبل را روی در و دیوارهای آسایشگاه می‌دیدند و می‌خواندند،

چنان تسلی خاطر و آرامشی برای آنها می شد که تمام غم و اندوهشان را فراموش می کردند. در یکی از این موارد، اسرا نوشته بودند: «به یاد امام موسی کاظم (ع) در زندان‌های هارون الرشید» (زاغیان، ۱۳۷۵: ۱۵).

ب) امر به معروف و نهی از منکر

این مسئله که همه آحاد جامعه نسبت به دیگران و رعایت ارزش‌های دینی توسط آنها حساسیت داشته باشند، نقش مهمی در افزایش سرمایه اجتماعی ایفا می کند. جامعه‌ای که همه نسبت به یکدیگر احساس مسئولیت داشته باشند و امر به خوبی‌ها و نهی از افعال بد کنند، در کوران حوادث، پابرجا خواهد ماند و هرگز سررشته امور را گم نخواهد کرد. امر به معروف و نهی از منکر که نظارت همگانی را شامل می شود و به همه افراد اجازه مقابله با کج روی‌ها و هنجارشکنی‌ها را می دهد، از مشخصه‌های سرمایه اجتماعی است که سلامت جامعه را تضمین می کند و آرامش، اعتماد و امنیت را در جامعه حکم فرما می سازد. اسرا به طرق گوناگون به فکر اصلاح و هدایت برادران خود بودند. از جمله روش‌های غیرمستقیم برای امر به معروف و نهی از منکر، استفاده از دست‌نوشته‌ها و نصب آن در مکان‌های پرتردد بود. یکی از آرایشگران ماهر اردوگاه در اتاق خود نوشته‌ای نصب کرده بود: «برادر! همیشه به فکر اصلاح خویش باش»، عراقی‌ها این جمله را دیده بودند و برایشان سؤال برانگیز بود که این جمله چه ربطی به آرایشگاه دارد (مولودی، ۱۳۸۳: ۱۱۴).

گاهی اسرا با فداکاری، در صدد مقابله با دشمن برمی آمدند و به هر نحوی که شده از رواج منکرات در اردوگاه توسط آنها جلوگیری به عمل می آوردند. روزی یکی از سرکرده‌های معروف منافقان به اردوگاه اسرا رفت و از پشت سیم‌های خاردار شروع به تبلیغ کرد تا افراد منحرف را جذب تشکیلات خود کند. اسرا که از قبل، از هدف و برنامه آنها مطلع بودند و به دیگران خبر داده بودند که در صورت بروز مسئله‌ای، همه با هم شعار «مرگ بر امریکا، مرگ بر منافق و مرگ بر رجوی» سر دهند، با مشاهده وضعیت پیش آمده، نقشه خود را عملی کردند. عراقی‌ها هم در مقابل، آنها را به داخل آسایشگاه‌ها هدایت کردند و با بازگشت منافقان، اسرا را به سختی شکنجه کردند (محمدی، ۱۳۸۱: ۱۶۲).

اسرا با رفتار و اخلاق خود، سعی در اصلاح و راهنمایی برادران داشتند و در موارد بسیاری، برادران از این نصیحت‌ها استقبال می‌کردند و می‌پذیرفتند. اما در موارد نادری که رفتار ملایم و زبان خوش اثرگذار نبود، به طرق دیگری وارد عمل می‌شدند و با شدت بیشتری برخورد می‌کردند. یک عده از اسرا تحت تأثیر وعده و وعیدهای عراقی‌ها، با آنها همکاری می‌کردند و حتی گاهی در شکنجه کردن اسرا یک قدم جلوتر از عراقی‌ها بودند. هدف اینها شناسایی و معرفی اسرای پاسدار، بسیجی و روحانی بود. گاهی سرسپردگی آنها به حدی می‌رسید که عراقی‌ها برای آنها کارت مخصوص صادر می‌کردند. اسرا به دو روش با کسانی که به جاسوس‌ها و منافقین پناهنده می‌شدند، برخورد می‌کردند: اول، از راه دوستی و نصیحت کردن و دوم، از راه زور و تهدید (سوره مهر، ۱۳۷۴: ۵۵ و ۵۶).

توصیه‌های مرحوم ابوترابی در فرصت‌های مختلف و به طرق گوناگون به اسرا انجام می‌گرفت از جمله این دستورالعمل‌ها خطاب به اسرا این بود که «باید روحیه‌تان را حفظ کنید و به فکر سلامت جسمیتان باشید. نماز را به جماعت بخوانید، اما شعار ندهید. دعا را بلند نخوانید. اینها حساس‌اند. اذیتان می‌کنند. سعی کنید پاک بمانید؛ چه روحی و چه جسمی. اینجا زندگی اجتماعی دارید، پس به هم کمک کنید، خدمتگزار هم باشید» (احد طجری، ۱۳۸۸: ۲۹).

۲. توجه به مؤلفه حسن سلوک با مردم در رفتار با دوستان در خاطرات آزادگان

انسجام و همبستگی گروهی از شاخصه‌های سرمایه اجتماعی است. انسجام اجتماعی به این معناست که گروه وحدت خود را حفظ کند و با عناصر وحدت‌بخش خود تطابق و هم‌نوایی داشته باشد. هم‌نوایی و هم‌رنگی فرد با گروه عبارت است از اینکه فرد باورها، ارزش‌ها، نمادها و هنجارهای گروه و به عبارت دیگر، فرهنگ گروه را درونی کرده و در ساخت شخصیت این یگانگی را حفظ کرده باشد. هم‌نوایی یعنی استاندارد شدن و یکسان شدن رفتار (قربانی، ۱۳۹۳: پرتال تخصصی مددکاری اجتماعی ایران). این مؤلفه از سری مؤلفه‌های فرهنگ ایثار و شهادت، موجب همبستگی و انسجام اجتماعی می‌شود. انسجام را می‌توان داخل شدن افراد در یک محیط ملی- فرهنگی و تعلق خاطر نسبت به چارچوب‌ها، ساخت‌ها و شرایط اجتماعی آن محیط ملی

تعریف کرد. از بعد وجدانی هم، انسجام این مفهوم را می‌رساند که فرد با جذب شدن در محیط ملی، نسبت به محیط خود تعهداتی را به عنوان یک فرد مسئول می‌پذیرد (غلامی علوی، ۱۳۹۳: ۱۰۰). زمانی انسجام به بالاترین سطح خود می‌رسد که کنش‌های افراد اخلاقی و معطوف به یک جمع باشد. در این کنش‌ها مسئولیت و وفاداری در قبال دیگران به حد اعلای خود می‌رسد. انسجام اجتماعی را می‌توان به احساس یک پارچگی افراد جامعه، روابط دوستانه و محبت‌آمیز، میزان روابط اجتماعی و تعامل‌های گروهی براساس ارزش‌های مشترک و منسجم تعریف کرد. همچنین از دیدگاه جامعه‌شناختی، همبستگی پدیده‌ای است که براساس آن، در سطح یک گروه یا یک جامعه، اعضا به یکدیگر وابسته و به طور متقابل نیازمند یکدیگر هستند. این تعریف این امر را نفی نمی‌کند که همبستگی می‌تواند براساس اصول اخلاقی و آگاهی کامل انجام پذیرد (قربانی، ۱۳۹۳: مندرج در پرتال تخصصی مددکاری اجتماعی ایران). حسن سلوک با مردم، موجبات تعالی جامعه را فراهم می‌آورد، زیرا از یک طرف، باعث تزکیه نفس می‌شود و فرد را از غرور و نخوت دور می‌سازد و از طرف دیگر، پیوندهای اجتماعی را مستحکم می‌سازد. مؤلفه‌های فرعی عبارت‌اند از: احسان و نیکوکاری، اتحاد و همبستگی که به فراخور هر کدام از این مؤلفه‌ها، خاطراتی از آزادگان دفاع مقدس بیان شده است.

الف) احسان و نیکوکاری

احسان از مؤلفه‌های فرهنگ ایثار و شهادت است که موجب تحقق یک جامعه منسجم می‌شود. اسرا با الفت و محبت در کنار یکدیگر زندگی می‌کردند و همیشه و در هر حال آماده خدمت به دیگری بودند. عمل به نفع دیگری و فداکاری، ایجاد سرمایه اجتماعی می‌کند. آنها حاضر بودند برای اینکه به برادران خود نفعی برسانند یا اینکه شری را از آنها دفع کنند، بدون هیچ چشم‌داشتی از دیگران و بدون هیچ اجباری، خود را در معرض خطر قرار دهند و گاهی به خاطر دیگری شکنجه شوند یا اینکه به دام اسارت بیفتند. مواردی از این دست در خاطرات آزادگان به کرات آمده است که اسرا تنها کمک‌رسانی به دیگران را هدف قرار می‌دادند. برای نمونه، عراقی‌ها در بازداشتگاه، دنبال یکی از اسرا بودند و به همین دلیل، اسرا را تحت شکنجه قرار می‌دادند تا او را معرفی کنند و می‌گفتند تا او را معرفی نکنید، دست از سر شما بر نمی‌داریم و گاه

و بی‌گناه آنها را شکنجه می‌کردند. بین اسرا، اسیری بود که از ناحیه سر، ترکش خورده بود و بخشی از استخوان جمجمه‌اش را برده بود. وقتی دژبان‌ها با کابل برادران را می‌زدند تا اسرا اعتراف کنند و به شخص مورد نظر خود برسند، همه نگران او بودند که آسیبی نبیند. یکی از اسرا از جایش بلند شد و پشت سر او قرار گرفت تا مانع اصابت کابل به سر او شود. او تنها کسی بود که ایستاده بود و هر چه عراقی‌ها از او می‌خواستند که بنشیند، با وجود ضرباتی که به سرش خورده بود، حاضر نبود بنشیند (حسینی‌پور، ۱۳۹۰: ۱۸۵).

مورد دیگر، دو نفر از خواهران بودند که به اسارت دشمن درآمده بودند و برای نجات جان یکی از برادران مجروح از آزادی خود گذشتند. وقتی افسر عراقی به آنها گفت که آزادند که به خرمشهر برگردند و با آنها کاری ندارند، آنها قبول نکردند که بدون اسیر مجروحی که همراهشان بود، برگردند، آنها برای اینکه جان برادر مجروح به خطر نیفتد، نپذیرفتند که برگردند (رحمانیان، ۱۳۸۱: ۴۷).

بعضی وقت‌ها با سختی فراوان و از روی میل باطنی برای دوستان، آب تهیه و آنها را سیراب می‌کردند، بدون اینکه چیزی عایدشان شود. یکی از اسرا، با اصرار از سرباز عراقی برای پیرمردی درخواست آب کرد و جمعی از آن آب خوردند، اما خودش قطره‌ای از آن آب نخورد (حبیب-پور، ۱۳۸۶: ۲۳).

اسرای سالم در حق اسرای مجروح احسان کرده، از آنها مراقبت می‌کردند. در بازداشتگاه، اسرای سالم تقسیم کار می‌کردند و هر کدام مسئولیت یکی از اسرای مجروح را به عهده می‌گرفتند. از مجروحینی که وضعشان وخیم‌تر از بقیه بود، دو نفر پرستاری می‌کردند. یکی از اسرا از ناحیه پا مجروح شده بود و قادر به حرکت دادن آن نبود و هر بار که کسی به پایش برخورد می‌کرد، درد بسیاری می‌کشید. یکی از پرستارهای او، یک سرباز ارمنی بود که بسیار مهربان بود و مسئولیت او را با آن وضع پایش به عهده داشت و گاهی پیش می‌آمد که شب تا صبح کنارش می‌ماند و مواظب بود که به پایش ضربه‌ای نخورد (حسینی‌پور، ۱۳۹۰: ۲۱۱).

گاهی احسان از طریق تقسیم سهم غذایی خود، صورت می‌گرفت. خواهر اسیری که برای مدتی طولانی، در جهاد بود، مشکل معده پیدا کرده بود و در اسارت، به دلیل مشکلات جسمی و روحی، ناراحتی‌اش شدت گرفته بود. وقتی برایش ساندویچ آوردند، او از یکی از برادران خواست

که ساندویچ را بین همه تقسیم کند. دو سرباز عراقی پشت پنجره این صحنه را نگاه می کردند و تحت تأثیر این مهربانی و احسان قرار گرفته بودند (شانکی، ۱۳۷۵: ۲۸). او با این از خود گذشتگی، خود را ندیده گرفت و بر گرسنگی خود غلبه کرد و به عمل مثبتی که نتیجه مثبت جمعی را در پی داشت، دست زد.

پزشکی در اسارت بود که ایثار را در حق بیماران تمام کرده بود. دکتر مجید که هم به عنوان مترجم اسرا بود و هم در مواقعی، پای درد دل آنها می نشست، با ایثار تمام، در تمام فصول سال و در سرما و گرما، پالتوی بلندی بر تن داشت که جیب های بزرگی هم داشت. او در طول روز داروهایی را که اسرا لازم داشتند، فهرست می کرد و در مواقعی که به او اجازه داده می شد به بهداری و داروخانه رفت و آمد کند، سر پزشکان عراقی را گرم می کرد و داروهای مورد نیاز مجروحان را از روی قفسه ها برمی داشت و در جیب های خود می گذاشت تا به اسرا برساند (رئسی، ۱۳۷۲: ۵۲). او به بهترین شکل، به سنت محبت و مهربانی، جلوه عملی می داد و با این چشم پوشی از خود، به دیگران یاری می رساند.

اسرایی که تازه اسیر شده بودند، شرایط بسیار سختی را تجربه می کردند، با این حال، احسان را فراموش نمی کردند. عراقی ها روزی دو وعده غذا می دادند و هفته ای دو بار کنار غذا دسر می دادند که یک بار یک عدد پرتقال و یک بار هم چند عدد خرما بود. در یکی از آسایشگاه ها مجروحی بود که حال خوبی نداشت و چند ترکش به بدنش اصابت کرده بود. او سهم دسر خود را می گرفت، اما نمی خورد و کنار می گذاشت. وقتی برادران بر اعمال او دقیق شدند، متوجه شدند که او سهم غذای خود را به مجروحی که حالش وخیم تر از خودش بود، می داد (نشر شاهد، ۱۳۸۶: ۵۲).

احسان اسرا تا حدی بود که با تمام فداکاری ها در مورد دوستی و حق دوستی، خود را قاصر می شمردند و در این زمینه، بر دیگری سبقت می گرفتند. موقع وداع، با گریه از هم می خواستند که آنها را مورد عفو قرار دهند که نتوانستند حق دوستی آنها را به جا آورند و خود را مقصر و طرف مقابل را بری از خطا می دانستند (زاغیان، ۱۳۷۵: ۹۳).

ب) اتحاد و همبستگی

ماهیت وحدت‌بخش دین، موجب انسجام بین اسرا می‌شد و بین آنها همکاری و تعاون ایجاد می‌کرد. اسلام تأکید کرده که مؤمنان برادر یکدیگرند و باید با یکدیگر متحد شوند. همسویی بین دین‌داران و اتحاد و همدلی که نسبت به هم دارند، انسجام اجتماعی را بین آنها ایجاد می‌کند. در اعتصاب‌ها وقتی تعدادی از اسرا شورش می‌کردند، بقیه هم با آنها همراه می‌شدند. در یکی از موارد، صدای الله‌اکبر از یکی از قاطع‌ها طنین‌انداز شد و به گوش بقیه رسید. در واکنش به آن، اسرای قاطع‌های دیگر هم یک‌صدا با آنها، الله‌اکبر گفتند و از هماهنگی ایجاد شده انرژی گرفتند و با صدای رساتری الله‌اکبر گفتند. نیروهای ضدشورشی، خیلی سریع خود را به اردوگاه رساندند و نیروهای نظامی و زرهی، با تانک و تیربار و نفربر اطراف اردوگاه را محاصره کردند. دژبان‌ها برای ساکت کردن آنها، با باتوم به میله‌های پنجره می‌زدند، اما اثری نداشت و اسرا قرآن روی سر گرفته بودند و شعار می‌دادند. اگرچه آنها از دلیل شعار دادن اطلاعی نداشتند، اما وظیفه شرعی و ملی خود می‌دانستند که انسجام و یکپارچگی خود را حفظ کنند (نوبرانی، ۱۳۹۱: ۲۱۳).

برای اعتراض به عراقی‌ها، اسرا بسیار منسجم و متحد عمل می‌کردند. گاهی پیش می‌آمد که به‌عنوان اعتراض به شرایط، کسی غذا نمی‌خورد. از آنجایی که عراقی‌ها به اعتصاب غذا حساس بودند، موضوع را به افسر مافوق گزارش می‌دادند. بعد از گزارش هم، تعدادی از نیروهای ضدشورشی باتوم به دست وارد اردوگاه می‌شدند و دستور می‌دادند که اسرا را ته اتاق جمع کنند و آنها را بزنند. در چنین مواقعی، بعد از چند دقیقه صدای الله‌اکبر در کل اردوگاه طنین‌انداز می‌شد. آنها در پاسخ صدای بلند گوها را زیاد می‌کردند تا صدای تکبیر در آن صداها گم شود. صدای تکبیر تا وقتی که نیروها بیرون بروند، ادامه داشت (میرزاده حسینی، ۱۳۷۴).

گاهی عراقی‌ها برای برهم زدن اوضاع بسیجیان و تضعیف روحیه آنان، تعدادی از اراذل و اوباش را از شهرها جمع می‌کردند و به اردوگاه می‌بردند و قصد داشتند که با اجرای موسیقی و رقص در بخش بسیجیان، آن را از تلویزیون عراق پخش کنند. برادران بسیج بعد از اطلاع از این موضوع، خود را آماده مقابله با آن می‌کردند و در مواجهه با گروه فیلم‌بردار، تکبیرگویان و با انبوهی از سنگ و چوب به سمت آنها حمله می‌بردند و آنها را وحشت‌زده وادار به فرار می‌کردند (محمدی، ۱۳۸۳: ۲۰).

سرمایه اجتماعی موجب وحدت بخشی بین اسرا می شد. آزادگان وقتی از خاطرات خود می گویند، اتحاد و همدلی را مایه نجات خود می دانند و اگر اتحاد بین آنها نبود، از گرسنگی و تشنگی مرده بودند. اسرا برای احقاق حقوق خود، دست به شورش می زدند و در برابر تیراندازی عراقی ها مقاومت می کردند. ثمره این اتحاد این بود که به یک آزادی نسبی رسیدند (سوره مهر، ۱۳۷۰: ۷۲).

گاهی عراقی ها برای تفرقه افکنی بین اسرا، بعضی از آنها را از صف خارج می کردند و بیرون می بردند تا بقیه فکر کنند که آنها خیال وطن فروشی دارند. اما این روش آنها هم مؤثر واقع نمی شد. همه اتفاق نظر داشتند که دشمنان اتحاد و همبستگی شان را هدف گرفته اند و نقشه شان این است که اسرا را نزد هم بدبین کنند. به این ترتیب برعکس آنچه که عراقی ها تصورشان را می کردند، اتحاد و همبستگی آنها بیشتر شد و نقشه آنها کارگر نیفتاد (سفرگر، ۱۳۹۰: ۶۷).

در اسارت افرادی که اشتراکی با یکدیگر نداشتند، با یکدیگر متحدانه زندگی می کردند. بین اسرا، فرقه ها و قومیت های مختلفی وجود داشتند. عراقی ها از هر راهی وارد می شدند که اتحاد بین اسرا را از بین ببرند و بین آنها تفرقه ایجاد کنند. گاهی هم از طریق اختلاف قومیتی اقدام می کردند. اما اسرا همگی یک دل و یکپارچه بودند، مثلاً زمانی که عراقی ها قصد عملی کردن نقشه ای را داشتند، اتحاد و همدلی اسرا آنها را مجبور به عقب نشینی می کرد (سوره مهر، ۱۳۷۰: ۵۴).

مراسم عزاداری امام حسین (ع) هم در تقویت اتحاد اسرا بسیار مؤثر بود. در یکی از این مراسم، یکی از اسرا نوحه خوانی می کرد و بقیه مشغول سینه زنی بودند، ناگهان افسر عراقی سر رسید و دست نوحه خوان را گرفت و با خود به سمت خروجی برد. در واکنش به این عمل افسر، یکی دیگر از اسرا از جا برخاست و شروع به نوحه خوانی کرد. افسر عراقی مجدداً برگشت و در حالی که دست به کلت کمری خود برده بود، سیلی محکمی به او زد. اسرای دیگر با مشاهده این وضعیت، با هم به صورت دسته جمعی شروع به نوحه خوانی کردند. افسر نگهبان و دوستانش که این وضعیت را دیدند، ترسیدند و پا به فرار گذاشتند و اسرا را به حال خود رها کردند. بعد از این ماجرا، عراقی ها با ترسی که از اتحاد آنها در دل پیدا کرده بودند، دیگر کاری با آنها نداشتند و زندگی راحت تری داشتند (جباری، ۱۳۷۳: ۴۳). فرمانده عراقی گفت: «من از شما تعجب می کنم،

چقدر همبستگی دارید! کاش سربازان ما نیمی از ایمان و همبستگی شما را داشتند» (امین فرد، ۱۳۹۰: ۱۲۵).

حاج آقا ابوترابی در اتحاد بین اسرا، مهره مهمی محسوب می‌شد و همیشه این موضوع را مدنظر داشت. ایشان پیش از آغاز سال ۱۳۶۴ پیرمردها و ریش سفیدان را بسیج کرده بود تا بین آنهایی را که به هر دلیل با هم اختلاف داشتند، اصلاح و صلح و آشتی برقرار کنند. ایشان با همه اسرا با هر دین و مذهب و قشری برخورد یکسانی داشت و محور ایجاد وحدت و برادری بین اسرا بود (رجایی، ۱۳۹۱: ۲۴۸-۲۵۶).

۳. توجه به مؤلفه اخوت ایمانی در رفتار با دوستان در خاطرات آزادگان

مشارکت اجتماعی از شاخص‌های مهم سرمایه اجتماعی است. مشارکت اجتماعی در معنای وسیع، انواع کنش‌های فردی و اجتماعی را به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیر در فرایندهای تصمیم‌گیری در امور عام دربر می‌گیرد. به عبارت دیگر، مشارکت اجتماعی، کنش آگاهانه، داوطلبانه، جمعی و کم و بیش سازمان‌یافته است که در جهت اهداف، نیازها و منافع جمعی تجلی می‌یابد (غلامی علوی، ۱۳۹۳: ۸۷).

مؤلفه اخوت ایمانی با کارکردهایی که دارد، احساس مسئولیت و همدلی را بین افراد جامعه القا می‌کند و موجب افزایش همکاری و مشارکت اجتماعی می‌شود. پیوند اخوت و برادری در جامعه ایمانی، محکم‌ترین و استوارترین پیوند است که از ایمان نشأت می‌گیرد. در واقع، جلوه اجتماعی ایمان، برادری بین آحاد جامعه مسلمین است. خداوند در قرآن مسلمانان را این‌گونه معرفی می‌کند: «أَنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ». حضرت رسول (ص) نیز به دلیل اهمیت بالای پیوند و همبستگی مسلمانان با یکدیگر بین آنها صیغه برادری جاری می‌کرد. دوستی‌های دینی، برخلاف دوستی‌های امروزه که سبک و سیاق غربی دارد، از نوع دوستی‌های عمیق و پایدار است و هدفی جز خیرخواهی را دنبال نمی‌کند. در این‌گونه روابط، برخلاف دوستی‌هایی که فقط منفعت‌طلبی را هدف قرار می‌دهند، افراد دگرخواه هستند و روابط خود را بر پایه ترجیح دیگران بر خود قرار می‌دهند. اسرا در اسارت، به نحو احسن این پیوند را برقرار کرده بودند و با یکدیگر براساس عوامل برادری دینی رفتار می‌کردند. اولویت رفتاری اسرا کمک به هم‌نوع، فداکاری و عمل به

نفع دیگری بود که به طرق و عناوین مختلف جلوه ظهور و بروز پیدا می کرد. این مؤلفه رفتاری درصدد جلب منافع جمعی است و به طور مستقیم بر سرمایه اجتماعی تأثیرگذار است. بر این اساس، این مؤلفه شامل: سه مؤلفه فرعی مهرورزی و عطوفت، رفع نیازهای یکدیگر و تلاش در راه آن و فریادرسی و رفع گرفتاری یکدیگر است. این مؤلفه ها که کمک رسانی به دیگران را هدف قرار می دهند، عامل مهمی در شکل گیری سرمایه اجتماعی محسوب می شوند. این مؤلفه ها در خاطرات آزادگان دفاع مقدس جست و جو شده و نتیجه آن در عبارات ذیل آورده شده است.

الف) مهرورزی و عطوفت

طبق احادیث، نرم خویی و مدارا با مردم، از اخلاق پیغمبر اکرم (ص) است و بسیار به آن تأکید شده است. دوست داشتن یکدیگر، به دیدار یکدیگر رفتن و بر یکدیگر خشم نگرفتن از سنت های نبوی است. این سری رفتارها، مشارکت اجتماعی را موجب می شود و زمینه مشارکت سیاسی را فراهم می نماید. ایجاد جو همکاری و مشارکت در یک جمع، شبکه ای نیرومند از افراد را در کنار یکدیگر قرار می دهد که سرمایه اجتماعی را به نحو قابل توجهی افزایش می دهد. ابوترابی نمونه عینی مهربانی و توجه به برادران دیگر بود. یکی از اسیران اردوگاه که از کشتی گیران قهّار شمال کشور بود، به بیماری سرطان مبتلا و به حدی ضعیف شد که قادر به حرکت کردن نبود و با برانکارد او را جابه جا می کردند. حاج آقا ابوترابی بعد از سوت آمار، سراغ او می رفت و با کمک اسرای دیگر با برانکارد، او را به حیاط می برد و به دور فلکة حیاط می گرداند. گاهی برای شاد کردن او، برایش جوک و لطیفه تعریف می کرد. گاهی هم مسئولیت کارهای شخصی او را به عهده می گرفت. او به معنای کامل با اسرا برادری می کرد. بعد از شهادت او، حاج آقا چنان متأثر شده بود که خیلی گریه می کرد و عراقی ها با دیدن حال او گفتند: «هر کاری لازم می دانید برای شادی روح او انجام دهید.» حاج آقا ابوترابی برای بازسازی روحی اسرا پیشنهاد کرد که سه روز برای او عزا بگیرند (رجایی، ۱۳۹۱: ۱۱۳).

برادران اسیر آن قدر با یکدیگر الفت گرفته بودند که حاضر به ترک رابطه با یکدیگر نبودند و سعی داشتند رابطه خود را حفظ کنند؛ لذا مانند دوران صدر اسلام که برای تحقق عینی اصل برادری، پیمان اخوت میان برادران بسته می شد، با برادر دینی خود، صیغه برادری می بستند. یک

روز چند نفر از دوستان صمیمی، نزد حاج آقا ابوترابی رفتند تا او بین آنها صیغه برادری را جاری کند، او هم قبول کرد و خودش هم دستش را روی دستانشان گذاشت و خطبه را خواند و همگی با هم برادر صیغه‌ای شدند. یکی از آنها که برادری نداشت، در اسارت، صاحب چند برادر شده بود (نظرزاده، ۱۳۷۲: ۹۳).

اسرا فارغ از دین و مذهبشان، برخورد مهربانانه‌ای با هم داشتند و با لطف و صفا با یکدیگر برخورد می‌کردند. یکی از برادران اهل تسنن در اسارت بود. او که با حمله عراق، اثابیه‌اش را به کرمانشاه منتقل کرده بود، در راه بازگشت به منطقه‌ی جنگی اسیر شده بود. او هرگز روحیه خود را از دست نمی‌داد و همیشه خدا را شکر می‌کرد. مردی مسن، باوقار و مهربان بود. او همیشه اسرا را مورد مهر و محبت قرار می‌داد و در اسارت به آنها روحیه می‌داد. او می‌گفت: «ما همه با هم برادریم و هم وطن. همه مسلمانیم و باید از اسلام دفاع کنیم» (حبیب‌پور، ۱۳۸۶: ۳۸).

ابوترابی چنان برخورد مهربانانه‌ای داشت که همه را جذب کرده بود. سجاده‌ای داشت که آن را زیر کمر یکی از مجروحان انداخت و خود روی زمین نماز خواند. نیمه‌شب که می‌شد، دو رکعت نماز به‌جا می‌آورد، سپس به سمت بچه‌ها می‌آمد و دست و پایشان را ماساژ می‌داد. موقعی که عراقی‌ها می‌خواستند اسرا را سوار اتوبوس کنند، آنها را بغل می‌کرد و در اتوبوس قرار می‌داد. علاوه بر آن، با اینکه عراقی‌ها به او بی‌احترامی می‌کردند و به درخواستش گوش نمی‌کردند، با این حال، برای اسرا از عراقی‌ها درخواست آب می‌کرد (رجایی، ۱۳۹۱: ۵۴).

آنها به کسانی که روحیه‌شان در اسارت، بیشتر آسیب دیده بود، توجه بیشتری نشان می‌دادند. در اسارت پیرمردی بود که بسیار منزوی و گوشه‌گیر بود. اسرا تصمیم گرفتند برای اینکه او را از انزوا در بیاورند، برایش جشنی ترتیب دهند؛ با امکانات آسایشگاه برای او کیک درست کردند و دور هم جمع شدند، تا از حالت انزوا خارج شود (نشر شاهد، ۱۳۸۶: ۶۳).

اسرا همچنین به حال مجروحان بدحالی که عراقی‌ها فکری برای درمان آنها نمی‌کردند، ترحم نشان می‌دادند و به آنها عنایت ویژه‌ای داشتند. عده‌ای از اسرای عملیات والفجر ۸ که در فاو اسیر شده بودند، به جمع اسرا اضافه شدند. یکی از این اسیران، فردی بود که از ناحیه سر و صورت و دست‌ها مجروح شده بود، موج انفجار هم داشت که باعث می‌شد گاهی کنترل از دستش خارج شود. اسرا او را گوشه‌اتاق گذاشته بودند و به او غذا می‌دادند. کم‌کم زخم‌هایش عفونی شد. یکی

از اسرا با نگهبان‌ها صحبت کرد و به آنها فهماند که حالش خیلی بد است. اما آنها جدی نگرفتند و به او گفتند که دخالت نکنند و به اصطلاح خودشان رفتند و وسایل پانسمان آوردند که فقط شامل چسب زخم بود. آنها در اوج لطافت و مهربانی به نگهبان‌ها گفتند: «او قادر به تکان خوردن نیست، ما حاضریم چهار نفری او را تمیز کنیم.» چهار نفری او را روی دست نگه می‌داشتند و نفر پنجم او را نظافت می‌کرد (حمزه‌ای، ۱۳۸۶: ۵۴).

در اسارت به هر طریقی سعی می‌کردند با یکدیگر روابط عاطفی برقرار کنند و حقیقتاً در این مسیر، برادر دینی به معنای واقع کلمه بودند. عده‌ای به کارهای دستی و هنری روی آورده بودند و سعی در بهبود وضع موجود و امکانات آسایشگاه داشتند، عده‌ای هم مخلصانه و خودجوش، کارهای نظافت و شستن ظروف آشپزخانه را به عهده گرفته بودند. علاوه بر این، حاج آقا ابوترابی تدبیری اندیشیده بودند که روزهای پنج‌شنبه و جمعه به صله رحم پردازند و یکدیگر را یاری و با هم همدردی کنند. نمایندگان صلیب سرخ از این روحیه بالای ایرانی‌ها تعجب می‌کردند (سلیمی و دیگران، ۱۳۷۱: ۳۸).

عراقی‌ها گاهی برای شکنجه کردن اسرا، آنها را دو به دو مقابل یکدیگر قرار می‌دادند و می‌گفتند: «یکدیگر را بزنید.» در یکی از این موارد پیرمرد پنجاه ساله‌ای را روبه‌روی نوجوان شانزده ساله قرار داده بودند و به آنها می‌گفتند به یکدیگر سیلی بزنند، اما آنها به یکدیگر خیره شده بودند. عراقی‌ها تعدادی را با کابل مجروح می‌کردند. در این‌طور موارد هر یک به دیگری می‌گفت: «بزن اشکال ندارد، دست زور و اجبار است.» نهایتاً به آرامی، دست خود را به صورت یکدیگر می‌زدند. گاهی هم یکدیگر را در آغوش می‌گرفتند و گریه می‌کردند. اما سربازان عراقی با خشونت به جان آنها می‌افتادند و با کابل و شلاق آنها را می‌زدند (نشر شاهد، ۱۳۸۶: ۹۶).

ب) رفع نیازهای یکدیگر و تلاش در راه آن

ایثار و از خودگذشتگی، با ترک منافع شخصی و عمل به سود منافع جمعی، تولید سرمایه اجتماعی می‌کند. توجه به غیر و رفع نیازهای جمعی، همکاری مورد نظر دینی را فراهم می‌کند. وجود این خصیصه در آزادگان، با ایجاد شبکه دوستی فوق‌العاده قوی، باعث می‌شد که اسرا نسبت به رفع نیازهای یکدیگر کوشا باشند. روحیه خدمت به دیگران در اسرا باعث می‌شد که آنها

در خدمت به برادر اسیر خود، منیت را از بین ببرند و بدون اینکه کوچک‌ترین توجهی به پست و مقام خود داشته باشند، خود خالصانه عهده‌دار کارها و مسئولیت‌ها می‌شدند. یک نمونه از این دست افراد، حاج آقا ابوترابی بود. او داوطلبانه اتاق را تمیز می‌کرد، سرویس بهداشتی را تمیز می‌کرد و وسایل خوراکی را به آشپزخانه جابه‌جا می‌کرد. این روحیه خدمت به دیگران در او، چون با صدق نیت انجام می‌شد، تأثیر مثبتی بر دیگران داشت و آن‌ها را به خدمت تشویق می‌کرد، طوری که از یکدیگر سبقت می‌گرفتند (کیانی، ۱۳۸۹: ۲۳).

در اسارت، اسرا کارهایی را داوطلبانه انجام می‌دادند که در حالت عادی، در صورتی که آن‌کار را به کسی محول می‌کردند، با اکراه از عهده آن برمی‌آمد. یکی از برادران که مسئول اردوگاه بود، مسئولیت نظافت سرویس بهداشتی را برعهده گرفته بود. او با دستش، سرویس بهداشتی را تمیز می‌کرد. اطرافیان از مشاهده چنین کاری حالشان به هم می‌خورد، اما او بدون اینکه اکراه، این کار را انجام می‌داد و کار همیشگی‌اش بود. مهندس زردبانی، یکی از همراهان مهندس تندگویان، با آن مقام و عنوان کشوری، خود به صورت داوطلبانه، مسئول حمل پیت آسایشگاه شده بود و با دست خودش، سطل را تمیز می‌کرد و برای استفاده شب بعد به آسایشگاه برمی‌گرداند (رضوی‌نیا، ۱۳۸۱: ۸۸).

مورد دیگر از یاری‌رسانی اسرا، شخصی بود که وسواس داشت و به همین دلیل، اکثر اوقات پاچه شلوار و آستین پیراهنش بالا بود، اما با وجود این، همیشه سخت‌ترین کارها را به عهده می‌گرفت و به هر طریقی سعی در یاری رساندن به دیگران داشت. او برای کمک به اسرای زندانی که آن طرف دیوار بودند و برای ارتباط با آنها باید از روی دیوار و سیم خاردار که اسرا راهش را باز کرده بودند، عبور می‌کرد. او برای قضای حاجت اسرای زندانی، نایلون ضخیمی را برمی‌داشت و برای زندانیان می‌برد و برای آنکه به آن طرف دیوار برگردد، باید دو دستش را به شخصی که بالای دیوار ایستاده بود، می‌داد تا او را به سمت خودشان برگرداند. به همین دلیل، به ناچار نایلون را به دندان می‌گرفت (شیردل، ۱۳۸۷: ۱۸۷).

اسرا به بهترین نحو به برادران و هم اردوگاهی‌های خود اکرام می‌کردند و در خدمت آنها بودند. یکی از اسرا را به اندازه‌ای مورد ضرب و شتم قرار داده بودند که بازویش ورم کرده بود و نمی‌توانست دستش را از آستینش بیرون بیاورد و چون در این وضع، قادر به انجام دادن کاری

نیود، برادران دیگر، لباس هایش را می شستند (رجایی، ۱۳۸۵: ۱۶۰).

اسرا برای رساندن آب به برادران خود، حاضر بودند که سرشان شکسته شود. در یک خاطره از اسرا آمده که در یک سلول کوچک، تعداد زیادی اسیر را جا داده بودند. یک افسر عراقی، جلو در سلول ایستاده بود و یک پارچ آب در دست داشت. یکی از اسرا با زبان اشاره به افسر گفت که پارچ را به او بدهد، اما نپذیرفت و پارچ را به او نداد. او هم پارچ را از دستش قاپید. سرباز کناریش با چوب بر سرش زد و سرش شکست و خون از آن جاری شد. به هر ترتیبی بود، پارچ آب را به دست برادران رساند و اجازه گرفت که برود و سرش را بشورد. بعد از ده دقیقه، اجازه این کار را به او دادند که برود. جراحی سرش را شست و از این موضوع خرسند بود که برادران از آن آب می نوشند، چون با این آب، جان چند نفر در آن روز نجات پیدا کرد (فروغی، ۱۳۷۱: ۳۵).

یکی از اسرا به نام دکتر مسعود، برای اینکه به مداوای اسرا کمک کرده باشد، خود را به عراقی ها معرفی کرده و توانسته بود اعتماد آنها را جلب کند. او از داروخانه، داروهای مورد نیازشان را تهیه و گاهی به برادران کمک می کرد که بتوانند داروهای را که لازم دارند، از داروخانه بردارند. به این ترتیب بود که یک داروخانه مخفی تشکیل شد که ۱۰ تا ۱۵ شعبه داشت و آنها هم داروها را در لباس خود مثلاً در زیر یقه پیراهن یا درز شلوار جاسازی می کردند تا موقع تفتیش، کسی لو نرود. اگر هم کسی لو می رفت، می گفت من مریض دکتر مسعود هستم. دکتر مسعود هم حرفش را تأیید می کرد. برای رفع مشکل دندان درد برادران هم دکتر مسعود و همکارانش برای لوازم دندانپزشکی، دست به ابتکار زدند. آنها از سیم خاردار اطراف حیاط استفاده کردند و آن را صاف و از آن به عنوان مته دندانپزشکی استفاده کردند (شیردل، ۱۳۸۷: ۱۹۲).

اسرا کارهای نظافتی و مراقبتی از برادران مجروح را شخصاً به عهده می گرفتند تا اینکه بهبود پیدا می کردند. یکی از برادران را به انفرادی بردند و سخت او را تحت شکنجه قرار دادند و پیکر نیمه جان او را بعد از هفتاد روز برگرداندند و امیدی به بهبود حال او نبود. در این حال، یکی از اسرا داوطلبانه مسئولیت مراقبت از او را به عهده گرفت و یک ماه از او پرستاری کرد تا اینکه کم کم حالش بهبود یافت (نشر شاهد، ۱۳۸۶: ۲۰۴).

وقتی که اسرا به کمک احتیاج داشتند، برادرانشان از آنها فریادرسی می کردند. مورد دیگر از

این نمونه خاطرات، دو نفر از بچه‌های گیلان بودند که با هم اسیر شده بودند. یکی از این دو نفر بیماری روحی گرفته بود و اصلاً تعادل روحی نداشت. علاوه بر این، دچار اسهال و بیماری‌های عجیب و غریبی بود. در این حالت دوستش از هیچ کمکی برای او دریغ نداشت و مانند یک پرستار از او مراقبت می‌کرد و نظافتش را انجام می‌داد. دوست موجی‌اش به جای تشکر، او را کتک می‌زد، اما با تمام اذیت‌ها، او همچنان از دوستش پرستاری می‌کرد (سفرگر، ۱۳۹۰: ۲۲).

بعضی از اسرا با نهایت ایثار و تمام آنچه که در دست داشتند و در کمال مهربانی از برادران بیمار مراقبت می‌کردند. یک‌بار یکی از اسرا سخت مریض شده و سه روز در جایش افتاده بود. آب به زحمت از گلویش پایین می‌رفت. از دارو و درمان هم خبری نبود. برادران در این وضعیت سه روز از او با مهربانی تمام پرستاری کردند. یکی از برادران سرش را به روی زانویش می‌گذاشت و نان خشک را که جیره غذایی هر روزشان بود، در آب خیس می‌کرد و به زحمت آن را در دهانش می‌گذاشت (مقیسه، ۱۳۷۲: ۹۷).

در اسارت، اسرایی که حقوق بیشتری داشتند، به اسرای دیگر کمک می‌کردند. بیمارستان اردوگاه با کمک‌های اسرا، صاحب بودجه‌ای شده بود که نیاز اسرا را تأمین می‌کرد. این بودجه توسط اسرا تأمین می‌شد و آنها که حقوق بیشتری داشتند، مانند افسران، کمک بیشتری به این صندوق می‌کردند. دکتر مجید، شخصیتی بود که با کمترین امکانات، بیشترین خدمات را به اسرا ارائه می‌کرد. او وقتی متوجه می‌شد اسرا نیاز به مواد غذایی دارند، کیسه‌ای پر از خوراکی می‌فرستاد که شامل خرما، پنیر و... بود (بنده‌خدا، ۱۳۷۸: ۱۰۱).

گاهی اوقات هم با پیراهن تن خود ایثار می‌کردند و آن را در راه رفع نیاز برادر خود می‌دادند. به جرم نماز و دعا و قرآن، دژبان‌ها بر سر اسرا ریخته بودند و وقتی خوب خسته شدند، به اشاره‌ی افسر، آنجا را ترک کردند. با اینکه بر اثر این ضرب و شتم، خیلی‌ها مجروح شده بودند و درد داشتند، اما اثری از آه و ناله نبود. ناگهان صدای یکی از اسرا توجه همه را به خود جلب کرد. در حالی که سعی می‌کرد نشاط و شادمانی در صدایش موج بزند، گفت: «برادرانی که می‌خواهند زخم‌هاشون رو پانسمان کنند، باند هست؛ البته آنهایی که مجروحیت بیشتری دارند، در اولویت هستند». او زیرپیراهنش را در آورده بود و به حلقه‌های موازی و مساوی تقسیم کرده بود و با لبخند می‌گفت: «به این میگن باند اضطراری!» (عاکف، ۱۳۸۴: ۵۸).

در اردوگاه موصل، اسرایی که از درجه بالای نظامی برخوردار بودند و داوطلبانه لباس بیماران و ناتوانان را می‌شستند و پیرمردها را حمام می‌کردند. یکی از سربازها می‌گفت: «مادرم شیرش را حرامم می‌کند، اگر یکی از اسرا، کاری داشته باشد و من در حل مشکل او تلاش نکنم» (رئییسی، ۱۳۷۲: ۷۱).

عراقی‌ها اسرا را در شرایط سخت و تنگنا قرار می‌دادند تا الفت بین آنها را از بین ببرند و آنها را نسبت به یکدیگر بی‌تفاوت کنند، اما اسرا همیشه در این مواقع، امید آنها را ناامید می‌کردند. در یکی از خاطرات، اسرا بعد از یکی دو ساعت پیاده‌روی، به سوله‌هایی رسیدند. وارد یکی از این سوله‌ها شدند، کف سوله پر از لجن بود. برادرانی که مجروح بودند، توان آن‌ها را نداشتند که بایستند، ولی از طرفی می‌ترسیدند زخم‌هایشان عفونی شود و کار دستشان بدهد. به هر حال بعد از گذشت یک ساعت، همه مجروحان روی نجاسات نشسته بودند. در سوله باز شد و یک کیسه نان برای چهار اتوبوس اسیر به داخل سوله پرتاب شد. آنها قصدشان این بود که اسرا را به جان هم بندازند. غافل از آنکه آنها نان را بین برادران زخمی تقسیم کردند. نان‌ها را تکه‌تکه می‌کردند و در دهانشان می‌گذاشتند (دوستکامی، ۱۳۹۱: ۲۷۵).

ج) فریادرسی و رفع گرفتاری یکدیگر

مذهب با الزام به توجه به دیگران و از خودگذشتگی، شبکه اجتماعی موردنظر سرمایه اجتماعی را به وجود می‌آورد که در امور یکدیگر اهتمام می‌ورزند و پیوستگی بین آنها موجب می‌شود که با نهایت ایثار با یکدیگر رفتار کنند و این پیکره واحد، با امکانات مادی و معنوی خود، تا جایی که می‌تواند از هیچ کوششی برای رفع گرفتاری‌های دیگران فروگذار نیست. عراقی‌ها به بهانه‌های مختلف، اسرا را کتک می‌زدند. علاقه‌ای که بین اسرا بود، باعث می‌شد تا برای کتک خوردن، بر یکدیگر پیشی بگیرند و داوطلب شوند. آنها جان خود را در کف می‌گرفتند و ایثارگرانه درد و رنج را از برادران‌شان دور می‌کردند. در ماه‌های اول اسارت، اسم اسرا روی پیراهنشان نوشته نشده بود و به همین دلیل، عراقی‌ها شناخت درستی نسبت به اسرا نداشتند. عراقی‌ها شب‌ها اسرا را به طرف پنجره می‌کشاندند و به بهانه آب خوردن و یا توالیت رفتن شبانه اسمشان را می‌پرسیدند و صبح فردا، اسامی را صدا می‌زدند و برای تنبیه کردن می‌بردند. یک روز

صبح، عراقی‌ها اسم اسیری را صدا زدند که مریض بود. دوستش که می‌دانست او توان تنبیه شدن ندارد، به جای او از جای برخاست و برای تنبیه شدن با عراقی‌ها رفت (شیردل، ۱۳۸۷: ۱۷۱). مورد دیگر، در اردوگاه موصل بود، یک روز اسامی تعدادی از اسرا را خواندند و گفتند که دستور اعدام آنها توسط صدام صادر شده است. بعد از آن، مأموران عراقی سراغشان رفتند و آن‌ها را با خود به اتاقی بردند. سپس سربازانی قوی‌هیکل وارد شدند و گفتند: «دستور داریم ابتدا به هر کدام از شما صد ضربه شلاق بزنیم و بعد حکم اعدام را اجرا کنیم.» همه از ماجرابی که پیش آمده بود، در حیران بودند، تا اینکه حاج آقا ابوترابی پیش‌دستی کرد و گفت: «با بقیه کاری نداشته باشید و شلاق آنها را به من بزنید.» سرباز عراقی از جثه کوچک حاج آقا خنده‌اش گرفت و گفت: «اگر دو ضربه به تو بزنم، می‌میری!» حاج آقا گفت: «شما بزنید، اگر مردم که مردم، اما اگر زنده ماندم، بقیه را آزاد کنید.» آنها این شرط را پذیرفتند و با شلاق‌هایی از جنس سیم مسی شروع به زدن کردند. ضربه‌های این شلاق‌ها چنان کاری بودند که قوی‌ترین افراد زیر این شلاق‌ها دوام نمی‌آوردند. پنج ضربه که زدند، دیدند ایشان زیر لب ذکر می‌گوید. افسر دستور داد که دست نگه‌دارند و بعد پیراهن ایشان را بالا زد و با کمال تعجب دید که آثاری از شلاق دیده نمی‌شود. گفت: «این آدم معمولی نیست، نزنید» (رجایی، ۱۳۹۱: ۷۳).

در بعضی مواقع پیش می‌آمد که یک نفر خود را فدای جمعی کند و برای اینکه گرفتاری را از آنها بردارد، به جای همه آنها شکنجه شود. سرباز عراقی به آسایشگاه آمده بود و با نهایت خشونت می‌پرسید: «چه کسی عکس صدام را پاره کرده و روی زمین سرویس بهداشتی ریخته است.» هیچ‌کس جواب نمی‌داد و سکوت سنگینی بر فضا حاکم شده بود. اسرا را زیر شکنجه بردند و تهدید می‌کردند که اگر عامل این کار مشخص نشود، از آب و غذا خبری نیست. بعد از یک هفته مقاومت، از شدت گرسنگی و تشنگی، همگی کف آسایشگاه دراز کشیده بودند و توان حرکت نداشتند. تا اینکه یکی از برادران که دیگر تحمل ناراحتی اسرا را نداشت، همه چیز را به گردن گرفت. عراقی‌ها کل اردوگاه را به صف کردند و دستور دادند یک اجاق گاز و یک حلب قیر هیجده کیلویی بیاورند و قیر را آب کنند، آن‌گاه قیر جوشیده را روی سر برادر اسیر بریزند. قیر را سرازیر کردند و او یک یا حسین کوبنده گفت و در دم به شهادت رسید (نشر شاهد، ۱۳۸۶: ۱۵۱ و ۱۵۲).

اسرا تا جایی که می‌شد، ایثار و فداکاری کرده، از برادران خود گره‌گشایی می‌کردند. یکی از اسرا با اینکه می‌دانست تنبیه خواهد شد، دوست بیمارش را، با هر شرایطی بود، به بهداری رساند. او بر اثر شکنجه به اسهال خونی مبتلا شده بود، اما هیچ‌کس جرأت نمی‌کرد، او را به بهداری ببرد، چون با کابل و باتوم عراقی‌ها مواجه می‌شد. آنها طوری با اسرا برخورد می‌کردند که کسی جرأت کمک به همدیگر را نداشته باشد. اما با هر شرایطی بود، او تصمیمش را گرفته بود که به برادر بیمار خود کمک کند، حتی اگر به قیمت جانش تمام شود و زیر شلاق بمیرد. او که دیگر تحمل دیدن آن وضعیت را نداشت، بیمار را روی شانه‌اش گذاشت و به بهداری برد و او را روی تخت خواباند و کمک کرد که به او سرم وصل کنند. گفتند باید اینجا بماند و تحت نظر باشد. او را گذاشت و به سمت آسایشگاه روانه شد. به محض اینکه پا را بیرون از بهداری گذاشت، عراقی‌ها روی سرش ریختند و با باتوم به جانش افتادند و طوری زدند که قادر به حرکت نبود. با هر زحمتی بود، با سر و روی خونین خود را به آسایشگاه رساند (امامی، ۱۳۸۹: ۸۷).

سرمایه اجتماعی، شبکه‌ها و پیوندهایی ایجاد می‌کرد که باعث حمایت‌های روحی آنان از یکدیگر می‌شد. اسرا گاهی با نمایش اجرا کردن یا برگزاری مسابقات، سعی در رفع هموم از برادران خود داشتند. چند نفر از اسرا برای سرگرم کردن بقیه، مسابقه نام و نشان‌ها را بین آنها اجرا می‌کردند. اما در پایان دوره اسارت، دیگر موفق به اجرای این مسابقات نمی‌شدند. خبر انتقال و جابه‌جایی اسرا و بردن آنها به یک اردوگاه دیگر و اینکه طبق معمول، هنگام ورود به اردوگاه باید از دالان مرگ عبور می‌کردند، اسرا را غمگین کرد؛ [طوری که] حتی با برنامه فوتبال گل کوچک هم خوشحال نمی‌شدند: تا اینکه یک شب، یک جوان بسیجی نزد مجریان مسابقات آمد و گفت: «برادران را رها نکنید. شب‌ها موقع خواب، برای بچه‌ها برنامه اجرا کنید، داستان، خاطره و یا هر برنامه مذهبی که می‌توانید اجرا کنید تا بچه‌ها موقع خواب به فکر فرو نروند» (جعفری، ۱۳۹۰: ۳۹).

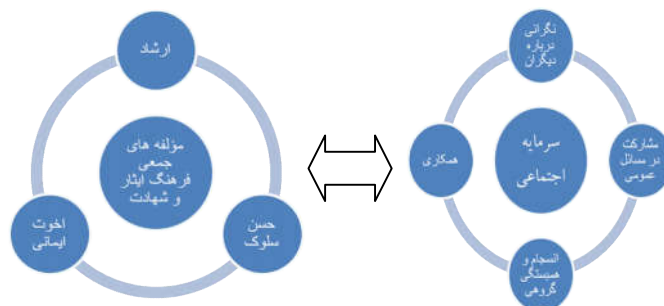
یکی از پزشکان اسارت، به نام دکتر مجید، فرشته نجات لقب گرفته بود. او تک‌تک بالای سر مجروحان می‌رفت و با شوخی و خنده به آنها روحیه می‌داد. اگر او نبود بسیاری از اسرا در همان بدو ورود به اردوگاه جان خود را از دست می‌دادند. مراقبت‌های او و آرامشی که به مجروحان می‌داد، باعث بهبودی حال آنها می‌شد (خدایگانی، ۱۳۷۱: ۳۵).

دادن روحیه به اسرایی که در بند اسارت و امید خود را از دست داده بودند، لطف بزرگی در

حق آنها بود. یکی از اسرا خیلی منزوی بود و تحمل اسارت برای او بسیار سنگین بود. یکی از برادران به سختی توانست به او نزدیک شود و پای صحبت‌هایش بنشیند. وقتی شرح حال خود را گفت که یک سرباز وظیفه بوده و چطور ابتدا به دست کومله‌ها اسیر شده و بعد به طرز عجیبی اسیر دست عراقی‌ها شده است، به او حق داد که آن‌قدر ناراحت باشد. همان روز به حاج آقا ابوترابی مراجعه کرد و گفت: «آن اسیر شرایطش با بقیه فرق می‌کند و باید بیشتر از بقیه، هوایش را داشته باشید.» از آن به بعد، ایشان هر روز یک ساعت با او صحبت و به زندگی امیدوارش می‌کرد. بر اثر این صحبت‌ها، کم‌کم از آن حالت رخوت و افسردگی خارج و در ادامه اسارت، حافظ کل قرآن شد و زبان انگلیسی را هم یاد گرفت (عاکف، ۱۳۸۳: ۲۴۲).

جمع‌بندی

مدل مفهومی مؤلفه‌های جمعی فرهنگ ایثار و شهادت در خاطرات آزادگان



جدول ۱- منابع الگوی مفهومی تحقیق

ردیف	مؤلفه	منبع
۱	ارشاد	مجلسی (۱۳۶۴)، شریف‌الرضی (۱۳۷۹)، مؤسسه فرهنگی قدر ولایت (۱۳۸۵)، شای (۱۳۸۷)، زمزم هدایت (۱۳۸۳)
۲	حسن سلوک	مهدوی کنی (۱۳۷۱)، آمدی (۱۳۶۶)، شریفی (۱۳۷۸)، طبرسی (۱۳۷۹)، مؤسسه فرهنگی قدر ولایت (۱۳۸۵)، زمزم هدایت (۱۳۸۳)
۳	اخوت ایمانی	مؤسسه فرهنگی قدر ولایت (۱۳۸۶)، ردادی (۱۳۸۹)، محدثی (۱۳۸۵)

نتیجه گیری و پیشنهادها

بدیهی است روابط بین فردی اسرا که در اعتقادات مذهبی آنها ریشه داشت و به طور کل بیانگر وجود فرهنگ ایثار در جامعه است، سرمایه اجتماعی بزرگی محسوب می‌شد. همان‌طور که از خاطرات موجود در این حوزه برمی‌آید، تنها چیزی که بعد از توکل بر خدا، تحمل اوضاع سخت اسارت را تحمل‌پذیر می‌ساخت، به وجود همین شبکه‌ها و پیوندهای عاطفی بوده است. فرهنگ ایثار و شهادت به عنوان فرهنگی غنی که مؤلفه‌های رفتار جمعی مثبتی را دربر می‌گیرد، با انسجام‌بخشی و ایجاد مشارکت و همکاری و همچنین با نظارت همگانی و نگرانی در مسائل عمومی، گام مؤثری در افزایش سرمایه اجتماعی برمی‌دارد و رشد شبکه‌های انسانی را به بهترین وجه سبب می‌شود. مؤلفه‌های فرهنگ ایثار و شهادت، با رشد شاخص‌های سرمایه اجتماعی، در نهایت، سرمایه اجتماعی عظیمی را به بار می‌آورد.

مؤلفه ارشاد با مصادیقی که آورده شد، بعد نظارت همگانی و نگرانی در مورد مسائل عمومی را پوشش می‌داد. مؤلفه حسن سلوک، سبب ایجاد همبستگی و انسجام اجتماعی در جمع آزادگان می‌شد و مؤلفه اخوت ایمانی، با توصیه‌های دینی به برادران دینی، شبکه گسترده‌ای را ایجاد می‌کرد که مشارکت و همکاری‌های اجتماعی را رهبری و هدایت می‌کند. نهادینه شدن این فرهنگ در جامعه، انقلابی ایجاد می‌کند که با تحول در نظام اداری و ارتباطات بین فردی، افزایش سرمایه اجتماعی را رقم می‌زند. این مهم اتفاق نمی‌افتد، مگر با تبدیل این فرهنگ آرمانی به فرهنگ مطلوب کشور و تلاش در جهت تقویت و ترویج هرچه بیشتر آن.

در این زمینه، باید ابعاد و اشکال مختلف فرهنگ ایثار و شهادت و مؤلفه‌های آن به عنوان سرمایه اجتماعی در جامعه و سبک زندگی نسل جوان هرچه بیشتر ترویج شود و از امکانات موجود تمام سازمان‌عل و ارگان‌های آموزشی - فرهنگی در بهترین شکل و قالب‌های هنری و تربیتی بهره گرفته شود. در این زمینه، برای نمونه پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

- تدوین دایره المعارف فرهنگ ایثار آزادگان؛
- نمایش هرچه بیشتر این روحیه آزادگان در قالب فیلم‌ها و نمایش‌ها؛
- انجام دادن پایان‌نامه‌ها و طرح‌های تحقیقاتی درباره تک‌تک مؤلفه‌های فرهنگ ایثار در بین آزادگان و تسهیل این گونه فعالیت‌های پژوهشی؛
- ترویج و انتقال این فرهنگ به نسل نوجوان و جوان در قالب کتاب‌های درسی؛
- شناسایی و معرفی آزادگان برتر در حوزه فرهنگ ایثار برای هر کدام از مؤلفه‌ها.

فهرست منابع

الف - فارسی

۱. احد طجری، علی محمد و حسین یحیوی (۱۳۸۸). دوره درهای بسته به روایت اسیر شماره ۲۹۶۱. تهران: روایت فتح.
۲. امامی، اسماعیل و مریم احدپور (۱۳۹۰). ساعت ۱:۲۵ شب به وقت بغداد: خاطرات اسیر آزادشده ایرانی عادل خانی. تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
۳. امین فرد، احمد (۱۳۹۰). نامه‌های پست نشده. رشت: فرد.
۴. آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶). شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و دررالکلم. تهران: دانشگاه تهران.
۵. بنده خدا، رضا (۱۳۷۸). گداخته (خاطرات اسیر آزادشده ایرانی مهندس محمدعلی زردبانی). تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
۶. تاج‌بخش، کیان (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه. تهران: نشر شیرازه.
۷. جباری، جلیل (۱۳۷۳). قصه اسارت. سازمان عقیدتی - سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران.
۸. جعفری، مجتبی (۱۳۹۰). شهرزاد اسارت: داستان‌های سرهنگ آزاده نظام‌الدین یزدان‌دوست. تهران: سوره سبز.
۹. حبیب‌پور، سیدحبيب (۱۳۸۶). رؤیای صادقه. تهران: پیام آزادگان.
۱۰. حسینی‌پور، سیدناصر (۱۳۹۰). پایی که جا ماند: یادداشت‌های روزانه سیدناصر حسینی‌پور از زندان‌های مخفی عراق. تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۱. حمزه‌ای، محمدمراد (۱۳۸۶). آزادگی در اسارت: خاطرات آزاده جانباز محمدمراد حمزه‌ای. تهران: پیام آزادگان.
۱۲. خدایگانی، حسینعلی (۱۳۷۱). فصل بلند غربت. تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۳. دادگر، یدالله و محمدباقر نجفی (۱۳۸۵). «سرمایه اجتماعی و بازتولید آن در عصر پیامبر اسلام». اقتصاد اسلامی. س ۶. ش ۲۴.
۱۴. درخشه، جلال و محسن ردادی (۱۳۹۰). «کژکارکردهای سرمایه اجتماعی و نقش دین در بهبود آن». پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. س ۲. ش ۱.

۱۵. دوستکامی، فاطمه (۱۳۹۱). سرباز کوچک امام(ره): خاطرات مهدی طحانیان. تهران: پیام آزادگان.
۱۶. رجایی، غلامعلی (۱۳۹۱، ج ۱). سیره ابوترابی. تهران: پیام آزادگان.
۱۷. رجایی، غلامعلی (۱۳۸۵، ج ۱). فرهنگ آزادگان. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، معاونت پژوهشی و آموزشی.
۱۸. رحمانیان، عبدالمجید (۱۳۸۱). حماسه‌های ناگفته. تهران: پیام آزادگان.
۱۹. ردادی، محسن (۱۳۸۹). منابع قدرت نرم؛ سرمایه اجتماعی در اسلام. تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
۲۰. رضوی‌نیا، محمد (۱۳۸۱). رزمنده مهاجر (زندگی‌نامه و خاطرات جنگ و اسارت سردار سپاه اسلام حاج قربانعلی بازرگان قائم مقام فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نوشهر و چالوس). قم: نسیم هدایت.
۲۱. رئیسی، رضا (۱۳۷۲). اسیر شماره ۰۳۳۹. تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
۲۲. زاغیان، اصغر (۱۳۷۵). در محراب اسارت. تهران: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۳. زمزم هدایت (۱۳۸۳، ج ۲). زمینه‌های قیام امام حسین(ع). قم: زمزم هدایت.
۲۴. سفرگر، خانه (۱۳۹۰). زبان مادری صبر: آزادگان سرفراز گیلانی. رشت: حرف نو.
۲۵. سلیمی، محمد و دیگران (۱۳۷۱). بال‌های سوخته. تهران: دفتر حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس.
۲۶. سوره مهر (۱۳۷۰). بیست و پنج خاطره. تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
۲۷. سوره مهر (۱۳۷۴). اردوگاه آینه‌ها. تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
۲۸. شانکی، مریم (۱۳۷۲). روزنه‌ای به آسمان. تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
۲۹. شاولی، علی (۱۳۸۷، ج ۵). با کاروان حسینی از مدینه تا مدینه. ترجمه عبدالحسین بینش. قم: سخن گستر.
۳۰. شریفی، اسماعیل (۱۳۷۸). تحول در اسارت. تهران: مؤسسه فرهنگی نشر رامین.
۳۱. شریف الرضی، محمدبن حسین (۱۳۷۹، ج ۱). توجیه و شرح نهج البلاغه فیض الاسلام. تهران: تألیفات فیض الاسلام.

۳۲. شیردل، حسن (۱۳۸۷). شب موصل: خاطرات اسیر آزادشده محمدحسین منصف. تهران: سوره مهر.
۳۳. صولتی، حسن (۱۳۷۶). «جامعه‌شناسی اسارت (بررسی فرایند اجتماعی شدن و شکل‌گیری شخصیت اجتماعی اسیر در اردوگاه)». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. مشهد: دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی. دانشگاه فردوسی.
۳۴. طبرسی، علی بن حسن (۱۳۷۹). مشکاه الأنوار. ترجمه هوشمند و محمدی. قم: دارالتقلین.
۳۵. عاکف، سعید (۱۳۸۳). حکایت زمستان. انتشارات کاتبان.
۳۶. عاکف، سعید (۱۳۸۴). نسیم تقدیر. تهران: جنات فکه، مؤسسه شهید آوینی.
۳۷. علامه، سیدمحسن (۱۳۷۲). روایت زخم. تهران: معاونت تبلیغات و انتشارات نیروی زمینی.
۳۸. غفاری، زاهد و خاکزاد، ملیحه (۱۳۸۶). «بررسی و تبیین عوامل مؤثر در ترویج فرهنگ ایثار و شهادت در میان دانشجویان دانشگاه شاهد». مجموعه مقالات همایش ملی ترویج فرهنگ ایثار و شهادت. اصفهان: دانشگاه اصفهان.
۳۹. غلامی علوی، منصوره (۱۳۹۳). «مطالعه ابعاد اجتماعی فرهنگ ایثار و شهادت به مثابه سرمایه اجتماعی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم انسانی. دانشگاه شاهد.
۴۰. فروغی، محمدقاسم (۱۳۷۱). چون اسرای کربلا. تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس.
۴۱. فصیحی، امان‌الله (۱۳۸۹). اسلام و سرمایه اجتماعی: با تأکید بر روحیه فرهنگی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۴۲. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۳۶۴، ج ۲). بحار الأنوار. ترجمه موسوی همدانی. تهران: کتابخانه مسجد ولی عصر.
۴۳. محدثی، جواد (۱۳۷۴). فرهنگ عاشورا. قم: نشر معروف.
۴۴. محمدی، مجید (۱۳۸۳). حدیث آزادگی (خاطرات برگزیده آزادگان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۴۵. مقیسه، محمدحسن (۱۳۷۲). آزادگان بگویند ۱ و ۲. تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.

۴۶. مولودی، مسعود (۱۳۸۳). آزادی در اسارت. تهران: رضوان پرتو.
۴۷. مهدوی کنی، محمدرضا (۱۳۷۱). نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۴۸. مؤسسه فرهنگی قدر ولایت (۱۳۸۶). سیره اجتماعی پیامبر اعظم (ص). تهران: قدر ولایت.
۴۹. مؤسسه فرهنگی قدر ولایت (۱۳۸۵). قیام و حیات حسینی (ع). تهران: قدر ولایت.
۵۰. میرزاده حسینی، سیدرضا (۱۳۷۴). رهایی در فکه. تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
۵۱. نشر شاهد (۱۳۸۶). شکوه مقاومت: گزیده خاطرات آزادگان آموزش و پرورش. تهران: نشر شاهد.
۵۲. نظرزاده، داریوش (۱۳۷۲). گوگ‌های صحرا. تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
۵۳. نعمت‌اللهی، زهرا و همکاران (۱۳۹۲). «بررسی عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی (اعتماد، انسجام و مشارکت اجتماعی)». فصلنامه مدیریت نظامی. س ۱۳. ش ۵۰.
۵۴. نویرانی، امیر (۱۳۹۱). رنج و گنج. تهران: پیام آزادگان.
۵۵. نیری، حسین (۱۳۸۲). بزرگمرد کوچک: خاطرات شفاهی قنبرعلی بهارستانی. تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.

ب- الکترونیکی

۵۶. آقامحمدی، علی و مقدمی، مجید (۱۳۹۰). «بررسی انگیزه‌های شهادت‌طلبی از دیدگاه جامعه‌شناسان (امیل دورکیم، ماکس وبر، دیدگاه مبادله) و نقش نظام آموزشی در ترویج فرهنگ ایثار و شهادت». همایش ملی فرهنگ ایثار و شهادت. قم: دانشکده اصول دین. مندرج در سایت سیویلیکا، ۱۳۹۰، به آدرس زیر:
http://www.civilica.com/Paper-OSOOL01-OSOOL01_006.html
۵۷. خاقانی‌آور، راضیه (۱۳۹۰). «ایثار و شهادت در آموزه سیاسی - فرهنگی شیعه». مجموعه مقالات همایش ملی فرهنگ ایثار و شهادت. دانشگاه زنجان، مندرج در سایت نوید شاهد، ۱۳۹۰، به آدرس زیر:
<http://www.navideshahed.com/fa/print.php?UID=260964>

۵۸. سریرافراز، محمد (۱۳۹۰). «واکاوی تعاملات ایثار و رشد اقتصادی با رهیافت سرمایه اجتماعی». همایش ملی ایثار و شهادت. دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان. مندرج در سایت سیویلیکا به آدرس زیر:

www.civilica.com/Paper-ISSAR01-ISSAR01_012=.html

۵۹. قربانی، غلامعلی (بی تا). پرتال تخصصی مددکاری اجتماعی ایران. مندرج در سایت:

<http://www.madadkar.org/prevention-of-social-damage/solidarity-social-solidarity.html>